

## دعای روز بیست و یکم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا وَاجْعَلْ الْجَنَّةَ لِي مَنزِلًا وَمَقِيلًا قَاضِي حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ:

ای خدا در این روز مرا به سوی رضا و خشنودی خود راهنمایی کن و شیطان را بر من مسلط مگردان و بهشت را منزل و مقامم قرار ده، ای برآورنده حاجات طالبان.

### ترجمه منظوم دعا

کن مقرر بهر من یک رهنما  
یک دلیلی از ره مهر و وفا  
بهر من بهتر ز کل ماسوا  
بگذرم من از جنان با صفا  
راه شیطان بسته گردد مطلقا  
این مهم از بهر من فرما روا  
گر تسلط یابد او و اسفء  
بر من بیچاره بی دست و پا  
جنت الفردوس را مأوای ما  
سائلین را از درت منما جدا

اندر این ماه مبارک ای خدا  
جانب خشنودی و مرضات خود  
گر به دست آرم دمی خشنودیت  
گر بیابم سوی مرضایت رهی  
حاجت دیگر که بر من این زمان  
یا قدیم الخیر، ذوالفضل العظیم  
خصم در این ماه پرفیض و ثواب  
ره مده یا رب به آن ملعون دون  
حاجت سیم که فرمایی ز لطف  
ای خدا ای قاضی حاجات خلق

### فقره اول: تحصیل رضای خدا

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا:

ای خدا در این روز مرا به سوی رضا و خشنودی خود راهنمایی کن.

### راههای تحصیل رضای خدا

برای رسیدن به مقام رضا، انسان باید بداند هرچه را خدای سبحان برای بنده اش مقدر کند، خیر است. اگرچه بنده از سر و حکمت آن آگاه نباشد و بداند که غم و غصه

هیچ تأثیری در قضای الهی ندارد و آن را تغییر نمی‌دهد؛ پس انسان باید چون عاشقی که در رسیدن به معشوق و طالبی که در رسیدن به مطلوب و حیبی که در رسیدن به محبوب تلاش می‌کند، مجاهدت کرده و احساس خستگی نکند. قرآن کریم برای کسب رضای الهی، نکات گهرباری را بیان کرده که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌نماییم:

### ۱. اطاعت از خدا

در قرآن کریم می‌خوانیم:

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۱</sup> خداوند به زنان و مردان با ایمان، باغ‌هایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختان آن جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های عدن، نصیب آنها ساخته است و رضا و خشنودی خدا از همه آنها برتر است و پیروزی بزرگ همین است.

### ۲. تقوای الهی

یکی از راه‌های به دست آوردن رضای خداوند متعال، تقوی و پرهیزکاری است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

«لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»<sup>۲</sup> برای آنان که تقوا پیشه کنند، نزد خدا باغ‌های بهشتی است که زیر درختان آن نهرها جاری است و در آن جاویدان هستند و زنان پاکیزه و آراسته‌ای و از همه بهتر خشنودی خداوند است و او به حال بندگان بیناست.

### ۳. رضایت اهل بیت علیهم‌السلام

رضایت خدای متعال در رضایت اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد؛ چنانچه در حدیث شریف آمده:

«رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ»<sup>۳</sup>

راه رسیدن به رضوان الهی کسب رضایت اهل بیت است و این مهم جز از طریق کسب معرفت به خداوند و اطاعت او و رسولش و امامان معصوم علیهم‌السلام حاصل نمی‌شود

۱. توبه: ۷۲.

۲. آل عمران: ۱۵.

۳. بحار الانوار؛ ج ۴۴، ص ۳۶۷.

و اگر این اطاعت از روی اخلاص صورت گرفت به مقام «أَرْجِعِي إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً»<sup>۱</sup>

دست می‌یابد و اساس اطاعت از خداوند، صبر و رضایت از او است در آنچه که بنده دوست دارد یا نمی‌پسندد و هیچ بنده‌ای در آن چیزهایی که دوست دارد یا ناپسند می‌شمارد، از خدا راضی نمی‌شود، مگر آنکه در آنها برای او خیر می‌باشد، هم در آنچه که دوست دارد و هم در آنچه که ناپسند می‌دارد.<sup>۲</sup>

ابن‌قتیبه یکی از علما و تاریخ‌نویسان اهل سنت در کتاب خود آورده است: پس از گذشت مدتی از جریان سقیفه، روزی عمر به ابوبکر گفت: ما فاطمه، دختر رسول‌الله را از خودمان خشمناک و ناراحت گردانیده‌ایم، بیا با یکدیگر به ملاقات و دیدار او رویم تا از ما راضی و خوشنود شود.

هر دو حرکت کردند و چون به درب منزل رسیدند، اجازه ورود خواستند؛ ولی به ایشان اجازه داده نشد.

به ناچار حضور امام علی عليه السلام آمدند و در این باره با او سخن گفتند؛ امام علی عليه السلام برای آنها اجازه ورود طلبید و چون وارد شدند، روبروی حضرت زهرا عليها السلام نشستند و حضرت روی خود را از آنها برگرداند، سلام کردند؛ اما حضرت جواب‌شان را نداد.

ابوبکر گفت: ای حبیبه رسول‌الله! سوگند به خدا که من تو را بیش از دخترم، عایشه دوست دارم. روزی که پدرت از دنیا رفت، ای کاش من مرده بودم؛ علت آنکه تو را از حق میراث پدرت منع کردم؛ چون شنیدم که فرمود: ما ارثیه‌ای به جای نمی‌گذاریم، آنچه از اموال ما باقی بماند، صدقه است.

در این هنگام فاطمه عليها السلام فرمود: اگر حدیثی را از پدرم رسول خدا برایتان بگویم، تأیید می‌کنید؟ گفتند: آری. فرمود:

خداوند را بر شما گواه می‌گیرم، آیا نشنیدید از پدرم رسول‌الله صلى الله عليه وآله وسلم که می‌فرمود: رضایت فاطمه رضایت من است، خشم و غضب فاطمه خشم و غضب من می‌باشد، هر که فاطمه را دوست دارد، مرا دوست داشته است و هر که او را خشمگین و ناراحت کند، مرا خشمگین و ناراحت کرده است؟  
گفتند: بلی، چنین سخنی را از رسول‌الله شنیده‌ایم.

۱. فجر: ۲۸.

۲. اصول کافی؛ ج ۲، ص ۴۵، حدیث ۱.

حضرت فاطمه فرمود: خدا و ملائکه را شاهد و گواه می‌گیرم که شما دو نفر مرا خشمگین و ناراحت کرده‌اید و من از شما خوشحال و راضی نخواهم شد تا پدرم رسول خدا را ملاقات کرده و شکایت شما را به او کنم. ابوبکر گفت: از خشم خداوند و غضب فاطمه به خداوند پناه می‌برم و سپس در حال گریه از نزد حضرت خارج شدند.<sup>۱</sup>

#### ۴. انفاق در راه خدا

مثل آنان که مالشان در راه خشنودی خدا انفاق کنند و با کمال اطمینان خاطر دل به لطف خدا شاد دارند؛ مثل دانه‌ای است که در زمین شایسته بریزند و بر آن باران زیاد و به موقع بیارد و ثمره و حاصلی دو چندان که منتظرند، بدهد.<sup>۲</sup>

#### ۵. گذشتن از جان

در شب لَيْلَةُ الْمَيْتِ که دشمنان پیامبر ﷺ هم قسم شدند تا خون پیامبر را بریزند، شبانه به منزل او هجوم آوردند؛ ولی علی عليه السلام خود را در بستر پیامبر ﷺ قرار داد و مشرکان را از کشتن آن حضرت ناامید نمود. قرآن کریم این عمل امیرالمؤمنین علی عليه السلام را موجب رضایت خدای متعال دانسته و می‌فرماید:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ»<sup>۳</sup>: بعضی مردانند که از جان خود در راه رضای خدا درگذرند و خداوند دوست‌دار چنین بندگان است.

#### ۶. صداقت

یکی از موجبات جلب رضایت خداوند، صدق و راستی است. روز قیامت روزی است که راستی راست‌گویان به آنها سود می‌بخشد که منظور صدق و راستی در گفتار و کردار دنیاست، تا در آخرت مفید واقع شود.

قرآن کریم پاداش صادقان را چنین بیان می‌کند:

«قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمَ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۴</sup>: خدای متعال گفت:

۱. اعيان الشیعة؛ ج ۱، ص ۳۱۸، به نقل از الامامة والسیاسة.

۲. بقره: ۲۶۵.

۳. بقره: ۲۰۷.

۴. مائده: ۱۱۹.

این روزی است که صادقان از راستی خود بهره‌مند می‌شوند. برای آنها باغ‌هایی از بهشت است که زیر درختانش، نهرها جاری است و جاودانه در آن خواهند ماند و از این نعمت مادی مهم‌تر، این است که هم خداوند از آنها راضی است و هم آنها از خدا راضی و خشنودند و شک نیست که این موهبت بزرگ که جامع میان موهبت مادی و معنوی است، رستگاری بزرگ محسوب می‌شود.

### ۷. امر به معروف و نهی از منکر

در سوره مبارکه توبه، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه نماز و پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول را موجب استحقاق دریافت رحمت الهی دانسته و به این مؤمنان راستین وعده داده است که آنان را در مساکن طیبه بهشت جای دهد و بزرگ‌تر از این نعمت، رضایت و خشنودی خداست که به آنان کرامت می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۸. ایمان و عمل صالح و خشوع در برابر خدا

یکی دیگر از مواردی که موجب رضا و خشنودی خداوند متعال می‌شود، ایمان و عمل صالح و خشوع در برابر ذات پاک الهی است، همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ»<sup>۲</sup> آنان که به خدای یکتا ایمان آوردند و نیکوکار شدند، آنها به حقیقت بهترین اهل عالمند، پاداش آنها نزد خدا باغ‌های بهشت عدن است که نهرها زیر درختانش جاری است و در آن بهشت ابد، جاویدان و متنعمند و خدا از آنها خشنود و آنها هم از خدا خشنودند و این مخصوص کسی است که در برابر خدا خاشع شود و او را اطاعت کند.

### ۹. رضایت پدر و مادر

یکی از راه‌های مهم جلب رضایت خداوند، جلب رضایت والدین می‌باشد. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «رضایت خدا در رضایت پدر و مادر و خشم خداوند در خشم آنهاست».<sup>۳</sup>

۱. توبه: ۷۲.

۲. بینه: ۷ - ۸.

۳. مستدرک الوسائل؛ ج ۱۴، ص ۲۸۶.

### فقره دوم: دوری از تسلط شیطان

وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا:  
و شیطان را بر من مسلط مگردان.

قلب همانند دژی است و شیطان دشمنی است که قصد ورود به این دژ و تسلط بر آن را دارد و هیچ کس نمی تواند دژ را از (ورود) دشمن نگاه دارد؛ مگر آن که از درهای دژ و راه های ورودی و رخنه های پاسداری کند تا دشمن وارد نشود و تنها کسی توان این کار را دارد که درهای دژ را بشناسد. از خداوند مهربان استدعا داریم همه ما را یاری نماید تا بتوانیم بر دشمن دیرینه خود غلبه پیدا کرده و قلب مان را از تسخیر او محفوظ نگه داریم.

در این فقره از دعای امروز از خداوند می خواهیم شیطان را بر ما مسلط نکند و برای او راهی که بتواند بر ما تسلط یابد، قرار ندهد. حال این سؤال پیش می آید که شیطان چگونه و از چه راه هایی بر انسان تسلط می یابد؟

### راه های تسلط شیطان

راه های ورود شیطان و درهای آن متعددند؛ ولی ما مهم ترین آن اشاره می کنیم. راه های ورودی حکم دروازه هایی را دارد که اگر لشکریان فراوان شیطان بخواهند وارد شوند، گنجایش آنها را دارد.

#### ۱. حرص و حسد

یکی از آن درهای بزرگ حرص و حسد است. پس هرگاه بنده به چیزی حریص باشد، حرص او را کر و کور می کند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «اگر چیزی را دوست بداری، تو را کر و کور می کند».<sup>۱</sup>

روایت شده که وقتی نوح عَلَيْهِ السَّلَام بر روی دریا حرکت می کرد و در کشتی از هر جانداری دو جفت برد، در کشتی پیرمردی را دید که او را نمی شناخت. پس به او گفت: چه چیز انگیزه ورودت شد؟  
گفت: وارد شدم که دل های یارانت را در اختیار گیرم تا دل هایشان با من و بدن هایشان با تو باشد. نوح عَلَيْهِ السَّلَام گفت: ای دشمن خدا از کشتی بیرون شو که تو رانده درگاه خدایی. ابلیس به او گفت:

۱. المحجة البيضاء فی تهذيب الاحياء و راه روشن؛ ج ۵.

پنج چیز است که مردم به سبب آن هلاک شده‌اند. سه چیز را برایت می‌گویم؛ ولی دو تا را نمی‌گویم. خداوند متعال به نوح علیه السلام وحی کرد که آن سه را نیازی نداری، به او دستور بده آن دو را برایت بگویند. نوح به شیطان گفت: آن دو چیست؟ گفت: دو چیزی است که در مورد آن دو، مرا دروغ‌گو نخوانی و با من مخالفت نکنی. مردم را حرص و حسد هلاک ساخته است. من به وسیله حسد لعنت شدم و شیطانی رانده شدم؛ اما حرص، تمام نعمت‌های بهشت بر آدم مباح شد و من به وسیله حرص وی به حاجتم رسیدم و او را گمراه کردم.<sup>۱</sup>

## ۲. خشم

یکی از درهای مهم ورود شیطان، خشم است.

روایت شده که ابلیس موسی علیه السلام را ملاقات کرد و گفت: ای موسی تو کسی هستی که خدا تو را به رسالت خویش برگزیده و با تو سخن گفته است و من آفریده خدایم، گناه کرده‌ام و می‌خواهم توبه کنم. در پیشگاه پروردگار از من شفاعت کن که توبه‌ام را بپذیرد. موسی گفت: آری چنین خواهم کرد. موسی خدای را خواند.

خداوند فرمود: موسی حاجتت را برآوردم، به شیطان دستور بده به قبر آدم سجده کند. موسی علیه السلام ابلیس را دید و به او گفت: مأمور شدی به قبر آدم سجده کنی تا خدا توبه‌ات را بپذیرد.

پس تکبر کرد و به خشم آمد. و گفت: در حال زنده‌بودن به آدم سجده نکردم، حال که مرده است، سجده کنم؟ آن‌گاه به موسی گفت: ای موسی در برابر این شفاعتی که از من در پیشگاه پروردگار کردی، حقی بر من داری. در سه مورد از من غافل مشو تا هلاک نشوی:

\* در هنگام خشم؛ زیرا روح من در دل تو و چشمم در چشم توست و همچون خون در بدنت جریان دارم.

\* هنگامی که با لشکر [دشمن] برخورد می‌کنی، از من غفلت نکن؛ زیرا من در آن وقت نزد آدمی‌زاده می‌آیم و او را به یاد فرزندان و عیال و خاندانش می‌اندازم تا به دشمن پشت کند [جهاد را ترک کند].

\* از همنشینی با زن نامحرم بپرهیز؛ زیرا من پیک او در نزد تو هستم و پیک تو در نزد او.

۱. بحارالانوار؛ ج ۷۲، ص ۱۹۵.

شیطان در این گفتار به شهوت، خشم و حرص اشاره کرده است؛ زیرا فرار از جنگ بر اثر حرص دنیاست و سرچشمه سرپیچی کردن از سجده بر آدم، حسد بود که از بزرگ‌ترین راه‌های ورود شیطان است.<sup>۱</sup>

### ۳. شهوت

یکی دیگر از راه‌های نفوذ شیطان، «شهوت» است. باید یقین داشته باشیم که خداوند هیچ چیزی را بیهوده نیافریده است؛ هرچند شیطان از آن طریق به درون انسان نفوذ می‌نماید. شهوت دو نوع است:

#### الف) شهوت شکم

شهوت شکم از بزرگ‌ترین مهلکات است. شیطان میل و رغبت به خوردن و آشامیدن را آن‌قدر در انسان تقویت می‌نماید تا بیشتر اوقات خود را در پی دستیابی به خوراکی‌ها صرف نماید و قلب، ذهن و عقل انسان را به آن مشغول نموده و حرص و طمع را افزایش می‌دهد و در نتیجه ذکر خدا را در دل به فراموشی می‌سپارد.

سعدی رحمته الله چه زیبا این مسئله را به نظم کشیده است:

اندرون از طعام خالی دار تا در او نور جان بینی

آنچه نادیدنی است، آن بینی

روایت شده که ابلیس بر یحیی علیه السلام ظاهر شد. یحیی علیه السلام دید که همه نوع قفل به همراه دارد؛ پس به شیطان گفت: ای ابلیس این قفل‌ها چیست؟ گفت: اینها شهوت‌هاست که آدمی زاده را به آن گرفتار می‌کنم. گفت: برای من هم قفلی هست؟ گفت: بسا باشد که از غذا سیر شوی، پس تو را نسبت به نماز و یاد خدا سنگین و بی‌میل می‌سازم.

یحیی گفت: آیا قفل دیگری هم هست؟ شیطان گفت: نه. یحیی گفت: خدا را بر خود گواه می‌گیرم که هرگز شکم را پر از غذا نکنم. ابلیس گفت: من نیز خدا را شاهد می‌گیرم که هرگز مسلمانی را نصیحت نکنم.

#### ب) شهوت جنسی

اگر تمایلات جنسی وجود نداشت، زاد و ولدی هم در کار نمی‌بود و بعد از مدتی نسل انسان از کره خاکی برچیده می‌شد؛ بنابراین شهوت لازمه زندگی انسان است؛ اما با این وجود افراط در آن مذموم است و بایستی تعدیل شود.

۱. امالی شیخ مفید، ص ۱۵۷.



پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نظر کردن را یکی از تیرهای زهرآگین شیطان به حساب می‌آورد و می‌فرماید: «النَّظْرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إبْلِيسَ مَسْمُومٌ». چون شیطان به وسیله نظر کردن، تیرهای زهرآگین خود را در قلب انسان می‌زند و آن را بیمار می‌نماید.

#### ع. طمع

دیگر از راه‌های مهم ورود شیطان، طمع داشتن از مردم است. پس هرگاه طمع بر دل غالب آید، پیوسته شیطان او را می‌دارد که نسبت به شخص مورد طمع خود نمایش‌ها و حيله‌گری‌ها کند تا شخص مورد طمع، معبود او شود و پیوسته به فکر جلب دوستی اوست و از هر دری وارد می‌شود تا به هدف خود برسد و کمترین حالات او ثناگویی شخص مورد طمع است به صفاتی که در او نیست؛ بنابراین با وی چاپلوسی کرده تا آنجا که نسبت به او امر به معروف و نهی از منکر نکند.

#### ۵. زینت دادن دنیا

یکی از راه‌های تسلط شیطان بر انسان، زینت دادن دنیاست؛ همان‌گونه که در قرآن کریم آمده:

«قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادِكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ»<sup>۱</sup> گفت: پروردگار من، همان‌گونه که مرا گمراه ساختی، من نعمت‌های مادی را در زمین در نظر آنها زینت می‌دهم و همگی را گمراه خواهم ساخت؛ مگر بندگان مخلصت.

در مناجات‌الشاکیان از امام سجاده عَلَيْهِ السَّلَام می‌خوانیم:

«إِلَهِي أَشْكُوا إِلَيْكَ عَدُوًّا يُضِلُّنِي وَشَيْطَانًا يُغْوِينِي قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي وَ أَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي يُعَاضِدُ لِي الْهَوَىٰ وَ يُزِينُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ الطَّاعَةِ وَ الزُّلْفَىٰ»<sup>۲</sup>

خدایا به سوی تو شکایت می‌کنم از دشمنی که نفس مرا گمراه می‌کند و از شیطانی که مرا به راه باطل می‌کشد و سینه‌ام را پر از وسوسه و خیالات فاسد می‌کند و اوهام او بر دلم احاطه می‌کند، تا به هواپرستیم مدد کرده و حب دنیا را بر من جلوه می‌دهد و میان من و طاعت و مقام قربت جدایی می‌افکند.

۱. حجر: ۴۰.

۲. مفاتیح الجنان؛ مناجات‌الشاکیان.

## ۶. بخل و ترس از تهیدستی

یکی دیگر از راه‌های مهم ورود شیطان، بخل و ترس از تهیدستی است؛ زیرا همین بخل و ترس است که مانع بخشیدن و صدقه‌دادن می‌شود و آدمی را به اندوختن و ذخیره‌ساختن و عذاب دردناک که به مال اندوزان وعده داده شده، فرا می‌خواند. در انوار جزائری است که در سال قحطی، در مسجدی واعظی روی منبر بود و می‌گفت: کسی که بخواهد صدقه بدهد، هفتاد شیطان به دستش می‌چسبند و نمی‌گذارند صدقه بدهد. مؤمنی پای منبر این سخنان را شنید؛ تعجب‌کنان به رفقاییش گفت: صدقه‌دادن که این چیزها را ندارد، اکنون من مقداری گندم در خانه دارم، می‌روم و برای فقرا به مسجد خواهم آورد و از جایش حرکت کرد. وقتی که به خانه رسید و زنش از قصدش آگاه شد، شروع به سرزنش او کرد که در این سال قحطی رعایت زن و بچه و خودت را نمی‌کنی؟ شاید قحطی طولانی شد، آن وقت ما از گرسنگی بمیریم و... خلاصه به قدری او را وسوسه کرد که آن مرد مؤمن دست خالی به مسجد نزد رفقا برگشت. از او پرسیدند چه شد؟ هفتاد شیطانی که به دست چسبیدند، را دیدی؟ پاسخ داد: من شیطان‌ها را ندیدم؛ ولی مادر شیطان را دیدم که نگذاشت. انسان می‌خواهد در برابر شیاطین مقاومت کند؛ اما شیطان به زبان زن یا رفیق و... مصلحت‌بینی می‌کند و نمی‌گذارد.<sup>۱</sup>

## ۷. بدگمانی

دیگر از راه‌های مهم ورود شیطان (به دل) بدگمانی به مسلمان‌هاست؛ از این رو خدای متعال فرموده است: «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ».<sup>۲</sup> هر کس بر دیگری از روی گمان به بدی حکم کند، شیطان او را به غیبت و می‌دارد در نتیجه یا هلاک شود یا در اقدام به ادای حقوق او کوتاهی کند یا در احترامش سستی نماید یا در او به نظر حقارت بنگرد و خود را از او بهتر بداند و تمام این امور را هلاک‌کننده است.

## راه‌های دفع شیطان

در حدیثی از رسول اکرم آمده است سه طایفه‌اند که شیطان با ایشان کار ندارد:

۱. شهید دستغیب؛ خلاص و اتفاق؛ ص ۱۵۵.

۲. حجرات: ۱۲.

«ثَلَاثَةٌ مَعْصُومُونَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ الذَّاكِرُونَ لِلَّهِ وَالْبَاكُونَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَغْفِرُونَ بِالنَّاسِحَاتِ»<sup>۱</sup>.

۱. «الذَّاكِرُونَ لِلَّهِ»: کسی که یاد خدا باشد.
۲. «الْمُسْتَغْفِرُونَ بِالنَّاسِحَاتِ»: کسانی که در سحرها استغفار می‌کنند.
۳. «الْبَاكُونَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»: کسی که از خوف خدا گریه می‌کند.

### مشخصات شیطان در قرآن

در قرآن کریم برای شیطان که همان ابلیس است، اوصافی ذکر شده که به خوبی این موجود وسوسه‌گر و مکار را معرفی می‌کند. با توجه به آیاتی که در این زمینه وجود دارد، بعضی از مشخصات شیطان را بیان کرده و برای هر کدام شاهدی از قرآن می‌آوریم:

۱. شیطان دشمن آدم و فرزندان اوست:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»<sup>۲</sup>

۲. شیطان اغواگر و گمراه‌کننده است:

«قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»<sup>۳</sup>

۳. وعده تو خالی می‌دهد:

«يَعِدُّهُمْ وَيُؤْتِيهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»<sup>۴</sup>

۴. شیطان کارهای زشت را در نظر انسان خوب جلوه می‌دهد:

«وَرَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ»<sup>۵</sup>

۵. شیطان امر به فحشا و گناه می‌کند:

«الشَّيْطَانُ يُعَدِّكُمْ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ»<sup>۶</sup>

۶. هر چند که شیطان حيله‌گر و مکار است؛ ولی کید او ضعیف است:

۱. مستدرک الوسائل؛ ج ۱۲، ص ۱۴۷.

۲. یوسف: ۵.

۳. ص: ۸۲.

۴. نساء: ۱۲۰.

۵. نمل: ۲۴.

۶. بقره: ۲۶۸.

«إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»<sup>۱</sup>

۷. شیطان باعث فراموشی می‌شود:

«فَأَنَّى نَسِيْتُ الْخُوتَ وَمَا أَنْسَانِيَهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ»<sup>۲</sup> «فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ»<sup>۳</sup>

۸. شیطان ذریه دارد و زاد و ولد می‌کند:

«أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ»<sup>۴</sup>

۹. گاهی شیطان با تیرهای آسمانی (شهاب‌ها) هدف قرار می‌گیرد:

«وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ»<sup>۵</sup>

آنچه بر شمرديم تنها نمونه‌هایی بود از مشخصات و ویژگی‌های شیطان که در قرآن کریم به آنها اشاره شده است. با تتبع آیات مربوط به شیطان، مشخصات دیگری هم می‌توان به دست آورد.

### راه‌های مقابله و مبارزه با شیطان

مخلصین کسانی هستند که به این درجه از مقامات رسیده‌اند که شیطان راه نفوذ به آنها را ندارد. برای مقابله با شیطان ابزارهایی لازم و ضروری است که با وجود این ابزارها می‌توان به مقابله با او برخاست و پیروز میدان شد. در این فرصت به برخی از آنها به طور نمونه اشاره می‌شود:

#### ۱. ایمان به خدا

قرآن کریم اولین عامل اساسی مانع سلطه شیطان را ایمان می‌داند: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ...»<sup>۶</sup> و شیطان بر کسانی که ایمان دارند و ... تسلطی ندارد.

#### ۲. توکل بر خدا

یکی دیگر از عوامل پیروزی بر شیطان و جنودش، توکل به خدا است:

۱. نساء: ۷۶.

۲. کهف: ۶۳.

۳. یوسف: ۴۲.

۴. کهف: ۵۰.

۵. ملک: ۵.

۶. نحل: ۹۹.

«إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ... وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»<sup>۱</sup>  
و شیطان بر کسانی که ... بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی ندارد.

### ۳. استعاذه

استعاذه به معنای درخواست پناهگاه از خداوند است که این پناهگاه، گاه تکوینی و گاهی تشریحی است. برای مصون ماندن از شرور نفسانی آن‌گونه که در سوره ناس نیز فرموده، باید از پناهگاه تشریحی خدا استفاده کرد و آن عبارت است از: مجموعه تعالیم الهی است که با عنوان مبانی اعتقادی و برنامه‌های تربیتی در شرع مقدس مقرر گردیده است:

«وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»<sup>۲</sup> و اگر از جانب شیطان در تو وسوسه‌ای پدید آمد، به خدا پناه ببر؛ زیرا او شنوا و داناست.

### ۴. یاد خدا

یاد خدا به انسان بصیرت داده و او را از وسوسه‌ها دور نگه می‌دارد و راه نفوذ شیطان را می‌بندد: «تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»<sup>۳</sup>.  
امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: شیطان قدرت بر وسوسه انسان را ندارد؛ مگر وقتی که از یاد خدا اعراض کرده باشد.<sup>۴</sup>

### ۵. تقوا

تحصیل ملکه تقوا و تحکیم آن، چشمان دل را بر وسوسه ابلیس بینا ساخته و انسان را از دام شیطان حفظ می‌کند.  
«إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»<sup>۵</sup>  
پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد [خدا و پاداش و کیفر او] می‌افتند و [در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و] ناگهان بینا می‌گردند.  
طائف به معنای طواف‌کننده است. گویا وسوسه‌های شیطانی همچون طواف‌کننده‌ای پیرامون روح و فکر انسان پیوسته گردش می‌کنند تا راهی برای نفوذ بیابد. شیطان بر

۱. همان.

۲. اعراف: ۲۰۰ و فصلت: ۳۶.

۳. اعراف: ۲۰۱.

۴. مستدرک الوسائل؛ ج ۱، ص ۱۷۸ و بحارالانوار؛ ج ۷۲، ص ۱۲۴

۵. اعراف: ۲۰۱.

روحی که با ایمان و تقوا قوی شده، نمی‌تواند تأثیر بگذارد؛ ولی دائماً منتظر فرصت است و برخی از هواهای نفسانی؛ نظیر شهوت، غضب، حسد و انتقام را بر می‌انگیزد تا به هنگام فرصت مناسب در او نفوذ کرده و گمراهش سازد.

برخی دیگر از راه‌های مقابله با شیطان عبارتند از: یاد اهل بیت، احسان به دوستان اهل بیت، تلاش برای قرار گرفتن در زمرهٔ افراد غیر قابل نفوذ شیطان و ... .

### فقره سوم: طلب بهشت

وَ اجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنزِلًا وَمَقِيلًا:

و بهشت را منزل و جایگاهم قرار ده.

در عبارت دیگری از دعای امروز می‌خوانیم: خدایا بهشت را برای من منزل و جایگاه قرار ده. میل به جاودانگی و بهره‌مندی از لذت‌های جاویدان در سرشت انسان‌ها به ودیعه گذارده شده و انسانی که دوست دارد جاودانه شود، باید برای رسیدن به تنعمات بهشتی و جاودانگی در آن تلاش نماید. در اینجا به برخی از راه‌های دست‌یابی به بهشت اشاره کرده و از خداوند تمنای آن را می‌نماییم.

۱. کسی که با نفس خود مبارزه کند: در کلامی امام علی علیه السلام فرمود:

«لَا يَجُوزُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ»: فقط کسانی به بهشت وارد می‌شوند که با نفس

خود مبارزه کنند.

۲. اطاعت خداوند متعال: همچنین آن حضرت فرمود:

«الْجَنَّةُ جَزَاءُ الْمُطِيعِ»: بهشت پاداش فرمانبردار است.

۳. انجام‌دهندگان عمل صالح: شخصی به نام داوود بن فرقد می‌گوید: از امام باقر علیه السلام

شنیدم که فرمود:

«کار شایسته به بهشت می‌رود و زمینه را برای صاحبش فراهم می‌کند؛ همان‌گونه که

آدمی خدمت‌گذار خود را می‌فرستد تا جایگاه او را فرش کند».<sup>۲</sup>

۴. تقوی و خداترسی: قرآن کریم بهشت را چنین توصیف می‌کند:

«مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ

يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ».<sup>۳</sup> بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده چنین است: در آن نهرهایی

است از آب تغییرناپذیر و نهرهایی است از شیری که طعم آن تغییر نیافته.

۱. غررالحکم و دررالکلم؛ ح ۱۸.

۲. بحارالانوار؛ ج ۷۱، ص ۱۷۵.

۳. محمد؛ ۱۵.

روزی هارون‌الرشید، برای امام موسی بن جعفر علیه السلام که در زندان به سر می‌برد، کنیزی فرستاد تا امام را از عبادت باز دارد؛ ولی بعد از مدتی مأموران هارون، آن کنیز را در حال سجده و راز و نیاز مشاهده کردند؛ چون دلیل را از او جویا شدند، گفت: در زندان به آن حضرت عرض کردم، حاجتی دارید که من انجام دهم. فرمود: به شما نیازی ندارم، در حالی که خداوند بهترین نعمت‌ها را به من عطا فرموده است، با اشاره آن حضرت متوجه باغ بسیار بزرگ و زیبایی شدم و این امر مرا به سجده واداشت.

### فقره چهارم: برآورده شدن حاجات

#### قَاضِي حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ:

ای برآورنده حاجات طالبان.

برآورده شدن حاجات به امیدواری و حسن ظن ما به خدای متعال بستگی دارد و او خود برآوردن حاجات را به بعضی از بندگان خود واگذار می‌کند. در حدیثی از امام کاظم علیه السلام می‌خوانیم:

«إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup> همانا برای خداوند در روی زمین، بندگان است که در برآورده نمودن حاجت‌های مردم تلاش می‌کنند و ایشان امنیت‌یافتگان روز قیامتند.<sup>۲</sup>

همان‌طور که در کلام گهربار امام علیه السلام آمده، یکی از اثرات توجه و برآوردن حاجات بندگان خدا، امنیت از عذاب الهی و آتش جهنم در روز قیامت می‌باشد و این پاداشی است که خداوند برای بندگان خود قائل شده؛ زیرا کسی که در برآوردن حاجات مؤمنین تلاش می‌کند، وجه خدا را طلب نموده و برای او پاداش عظیمی مقرر گردیده است.

بندگان خدا اهل و عیال خدا به شمار آمده و خداوند کسی که به آنها لطف نماید و حاجات‌شان را برآورده کند، دوست دارد.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده که فرمود:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبْدُ اللَّهِ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ صَائِمًا نَهَارَهُ، قَائِمًا لَيْلَهُ»<sup>۳</sup> رسول خدا فرمودند: کسی که در برآوردن نیاز برادر مؤمن خود

۱. بحارالانوار؛ ج ۷۴، ص ۳۱۹.

۲. همان؛ ص ۳۳۶.

۳. بحارالانوار؛ ج ۷۴، ص ۳۱۵.

تلاش کند، مانند کسی است که نه هزار سال خدا را عبادت نموده، به گونه‌ای که روزها را روزه و شب‌ها را در حال نماز و مناجات و شب‌زنده‌داری سپری کرده باشد.

### علل اجابت نشدن دعاها از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام

مردی به حضرت عرض کرد: خداوند می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ پس چرا ما دعا می‌کنیم؛ ولی اجابت نمی‌شود. حضرت فرمود: چون دل‌های شما در هشت مورد خیانت و بی‌وفایی کرد:

۱. خدا را شناختید؛ ولی حقش را آن‌گونه که بر شما واجب بود، ادا نکردید. از این رو آن معرفت به کار شما نیامد.
۲. به پیامبر خدا ایمان آوردید؛ ولی در عمل با سنت و روش او مخالفت کردید؛ پس ثمره ایمان شما چه شد؟
۳. کتاب خدا (قرآن) را خواندید؛ ولی در عمل با آن مخالفت کردید.
۴. گفتید ما از آتش دوزخ می‌ترسیم؛ ولی در همه حالات به واسطه گناهان خود به سوی جهنم می‌روید.
۵. گفتید ما به بهشت تمایل و رغبت داریم؛ ولی کارهایی انجام می‌دهید که شما را از بهشت دور می‌سازد.
۶. نعمت‌های خدا را استفاده می‌کنید؛ ولی شکر و سپاس‌گزاری نمی‌کنید.
۷. خداوند فرمود: شیطان دشمن شما است، شما نیز او را دشمن گیرید.<sup>۱</sup> شما به زبان او را لعن می‌کنید؛ ولی در عمل با او دوستی می‌نمایید و از او اطاعت می‌کنید.
۸. عیب‌های مردم را برابر دیدگانتان قرار دادید و عیب‌های خود را پشت سرانداختید؛ در نتیجه کسی را ملامت می‌کنید که خود به ملامت سزاوارتر از او هستید. با این وضع چه دعایی از شما مستجاب گردد، در صورتی که شما راه‌ها و درهای دعا را به روی خود بسته‌اید؟! پس تقوا پیشه کنید؛ کارهایتان را اصلاح کنید؛ امر به معروف و نهی از منکر کنید تا خدا دعایتان را مستجاب کند.<sup>۲</sup>

۱. مؤمن: ۶۰.

۲. بحارالانوار؛ ج ۹۳، ص ۳۷۶ و ۳۷۷.



### راه دعا و طلب حاجت از دیدگاه امام صادق علیه السلام

شخصی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: آیه‌ای در قرآن است که تأویل و معنای آن را نمی‌دانم: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ که ما هرچه دعا می‌کنیم، اجابت نمی‌شود. حضرت فرمود: «من سر عدم اجابت دعایتان را به شما می‌گویم. اگر تو خدا را در آن چه دستور فرموده، اطاعت کنی و آن‌گاه او را بخوانی، دعایت را اجابت می‌کند؛ ولی تو با [دستورهای] او مخالفت کرده، نافرمانی‌اش می‌کنی، او نیز اجابت نمی‌کند. با این حال، اگر خدا را از راهش بخوانی، اگر چه گناهکار باشی، خدا دعایت را مستجاب می‌کند».

آن شخص پرسید: راه دعا چیست؟ فرمود: نماز که خواندی، ابتدا تمجید کرده، او را به بزرگی می‌ستایی و به هر نحو که می‌توانی، حمد و ستایش می‌کنی؛ سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آتش درود می‌فرستی و به تبلیغ رسالتش گواهی می‌دهی و بر ائمه هدی سلام می‌دهی، آن‌گاه نعمت‌های خدا را بر خود می‌شماری و او را به دلیل آنها ستایش و شکر می‌کنی. بعد به گناهان خود یکایک اعتراف می‌کنی و هر کدام را که به یادداری، اقرار می‌نمایی. هر کدام را به خاطر نداری، به طور سربسته به زبان می‌آوری و از همه گناهان به درگاه خدا توبه می‌کنی و تصمیم می‌گیری که دیگر گناه نکنی و از روی پشیمانی و صدق نیت و خلوص و در بیم و امید از آنها استغفار و طلب آمرزش می‌کنی؛ سپس می‌گویی:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي، وَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ، فَأَعِنِّي عَلَى طَاعَتِكَ، وَ وَفَّقْنِي لِمَا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ مَا يُرْضِيكَ، فَإِنِّي لَمْ أَرِ أَحَدًا بَلَغَ شَيْئًا مِنْ طَاعَتِكَ إِلَّا بِنِعْمَتِكَ عَلَيْهِ قَبْلَ طَاعَتِكَ؛ فَأَنْعِمْ عَلَيَّ بِنِعْمَةٍ أَنْالُ بِهَا رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ»<sup>۱</sup>.

بعد از رعایت این مراتب، حاجت خود را بخواه که امیدوارم خدا ناامیدت نکند و حاجتت را بر آورد.